

درباره پوشش‌های مطهر و دیگر هدایایی که از مکه تا مشهد آمده‌اند تا در موزه جای بگیرند

کسوه: از حرم امن الهی تا حریم رضوی



تصویری از یک کسوه قدیمی مصری

زینبیا همان‌طور که برده پوشی بیتا...الحرام ارج و قربی والا دارد. دستیابی به تکه‌ای از کسوه که قامت بلند کعبه را پوشانده، برای مشتاقان بسیار عزیز و محترم است. از دیرباز، این برده پس از تعویض، به کارگاه‌های مخصوص منتقل و قطعه‌قطعه می‌شد تا از آن برای امور دیپلماتیک و تبرک استفاده شود. اهدای قطعات کسوه به شخصیت‌ها، حاکمان کشورهای اسلامی و مراکز فرهنگی معتبر، همواره یکی از عالی‌ترین نشان‌های احترام بوده است. این سنت که از گذشته برجای مانده، همچنان میان بزرگان و محترمان جهان اسلام جاری است. در شهریورماه ۱۳۳۵، روزنامه خراسان با تیتر «برده خانه کعبه با تجلیل خاصی به مشهد منتقل می‌شود»، خبر از رویدادی می‌دهدکه حکایت از اهدای این عطیه الهی به ایرانیان دارد. نگاهی به گنجینه حرم مطهر رضوی نشان می‌دهد، این تنها هدیه ارزشمند از این دست نیست که میهمان مشهد شده اما بی‌گمان یکی از گرامی‌ترین آن‌هاست.

- کسوه در مشهد؛ جست‌وجوی یک گمشده

با ورق زدن آرشیو روزنامه خراسان در ۷۰سال پیش، به خبری می‌رسیم که همچنان جالب‌توجه است. در کنار اخبار مالیاتی شهرویر ۱۳۳۵، خبر دیگری با تیتر درشت، نگاه‌ها را به خود جلب می‌کند. این خبر با کمی تغییر و تخلص چنین است: «کتیبه برده حریم مطهر کعبه مقدس به آستان قدس رضوی انتقال یافت. استاندار خراسان، نایب‌التولیه، فرمانده لشکر و جمعیت کبیری از این هدیه نفیس در فرودگاه استقبال کردند. این امرغان مقدس را پادشاه عربستان سعودی اهدا کرده و به موزه آستان قدس منتقل شد.» برابر خبر درج شده، نایب‌التولیه در این مراسم ابراز امیدواری می‌کند که این هدیه، موجب اتحاد و یگانگی ملل اسلامی و حفظ مملکت از شر جهل و بدخواهی باشد. این کسوه که مقامات عربستانی به حاکمان وقت ایران بخشیده بودند، به دلیل قداست آن به حرم مطهر رضوی منتقل می‌شود.

در واقع ملک سعود، پادشاه وقت عربستان، جامه قدیمی کعبه را پس از تعویض و در عید قربان به مقامات ایرانی اهدا می‌کند تا به عنوان ابزاری در دیپلماسی و ابراز دوستی استفاده شود. چهاردهم شهریورماه همان سال، این مطاع گران بها با هوایما به مشهد حمل می‌شود تا در مراسمی باشکوه به آستان قدس سپرده شود. در بخشی از گزارش روزنامه آمده است: «کتیبه برده حرم کعبه، عصر دیروز با هوایمای مخصوص به مشهد آورده شد. تعدادی از مسئولان، رؤسای ادارات، کارمندان، خدام آستان قدس، بازرگانان و جمع کثیری از طبقات مختلف مردم در فرودگاه از این تحفه نفیس استقبال کردند... هنگام فرودآمدن هوایما، مستقبلیین در دو صف مرتب ایستاده و صلوات فرستادند.»

پس از آن، برده توسط خودروی نایب‌التولیه به سوی حرم رهسپار می‌شود و مردم هم در دو سوی خیابان به استقبال و زیارت آن می‌شتابند. طبق گزارش، برده را ساعت ۵ بعدازظهر به «باغ موزه» منتقل و در مقبره شیخ بهایی قرار می‌دهند تا عموم علاقه‌مندان بتوانند آن را زیارت کنند.

- گنجینه‌های کعبه در گنجینه حرم

ناگفته نماند سرنوشت دقیق این برده خاص که سال ۱۳۳۵ به مشهد رسیده مشخص نیست اما گنجینه‌های ارزشمند دیگری در موزه حرم مطهر وجود دارد که پیوند کعبه و مشهد را مستحکم‌تر می‌کند:

- سال ۱۲۷۵، فردی به نام «علی محمد بشارتی»، برده مخمل ابریشمی مشک‌ی رنگی را که مربوط به سال ۱۲۷۰ است، به موزه اهدا کرد که بر روی آن آیه ۹۶ سوره آل عمران با تاریخ ۱۴۱۱ق به خط ثلث کتابت شده است.
- سال ۱۲۸۹، خیررسید که شهروند عربستانی به نام «سیدعلی‌العوامی»، قطعه‌ای از برده کعبه را که عبارت «یا رحمان و یا رحیم» در سال ۱۴۲۷قمری بر آن نقش بسته، به موزه آستان قدس اهدا کرده است.

• از ارزشمندترین هدایای موجود، ماکت کعبه معظمه و مسجدالحرام است که در سال ۱۳۷۶ توسط امیرعبدا... ولی عهد وقت عربستان، به رهبر معظم انقلاب اهدا شده و ایشان نیز آن را به موزه حرم سپرده‌اند. این ماکت ارزشمند ابعاد ۱۱۸ در ۷۵ سانتی‌متر دارد که با طلا و نقره و سنگ‌های قیمتی زینت یافته است.
- قطعه برده‌ای دیگر هم توسط امیرعبدا... قطعه‌ای با عبارت «یا منان» توسط رضا رشیدی پور از محافظان یگان ویژه سپاه ولی امر به حرم سپرده شده که در موزه رضوی نگهداری می‌شود.

افزون بر این موارد، قطعه‌کتیبه‌ای با عبارت «لااله الاالله و محمد رسول الله» در این گنجینه وجود دارد که منشأ اهدای آن معلوم نیست. ممکن است این قطعه پارچه ابریشمی که معلوم است از کتیبه‌های قبله‌گاه مسلمین است، همان گمشده سال ۱۳۳۵ باشد که در گنجینه رضوی آرام گرفته است.

در کنار این موارد، قالی محرابی هفت شهر عشق با تصویری از کعبه و دیگر شهرهای زیارتی، ماکت مطلاي درب کعبه که توسط سلطان بن عبدالعزیز اهدا شده است، ماکت فلزی در کعبه، عصای کتیبه‌دار چند تکه به سازندگی احمدحسین زنجانی و نخستین اسکناس ۲هزار ریالی با تصویری از کعبه در پشت آن به موزه سپرده شده است.

با تشکر از جناب آقای مهدی قیصری‌نیک

معاون محترم موزه‌ها و ترویج میراث فرهنگی آستان قدس رضوی.

- تلاش ایرانی‌ها برای پردهپوشی خانه خدا

کعبه از زمان حضرت ابراهیم^ع، کسوه یا همان برده بلندمشکی برروی دیوارهای خود نداشت، اما بر طبق روایات تاریخی، حضرت اسماعیل^ع برای نخستین بار بر آن جامه پوشاند و پس از او، افرادی مانند عدنان (جد پیامبر) و تبع از پادشاهان یمن این مسیر را ادامه دادند تا این رسم در تاریخ باقی بماند و تاروکار ماستمرار یابد. کعبه آن چنان در میان مسلمانان شأن و جایگاه داشته که هر کسی نمی‌توانسته به افتخار جامه دوزی برای آن نائل شود، از همین رو، معمولاً پادشاهان و بزرگانی که دارای نفوذ و قدرت بیشتری بودند، در این رسم سرآمدتر بودند و شانس بیشتری برای استفاده از این امتیاز را داشتند.

در واقع سلاطین مقتدر، کسوه را نه فقط یک پوشش، بلکه ابزاری برای نمایش شکوه حکومتی خود می‌دیدند.

گزاره‌ای که برای جامه پوشان کعبه و جاهت دینی، شهرت جهانی، احترام همگانی، تحکیم جایگاه سیاسی، رونق اقتصادی و تثبیت قدرت را به همراه داشت.

از نگاه مردم، این کار مذهبی به‌شمار می‌آمد ولی حاکمان نجیب‌نگاهی به آورده‌های آن هم داشتند. بزرگان و حکمای ایران نیز گاهی دلشان هوای بهره‌مندی از این ویژگی را می‌کرد تا خودی نشان دهند؛ برای نمونه، عضدالدوله، نخستین پادشاه ایران است که در سال ۳۹۶قمری پوششی برای بیتا...الحرام فرستاد تا قامت بلند کعبه را ببوشاند. پس از او سلطان محمود غزنوی است که ۷۰سال بعداز عضدالدوله، بخت خود را در این وادی آزمود و دیبای زردرنگی را توسط خواجه نظام‌الملک طوسی به مکه برد تا از خانه خدا بیاویزند. در سال ۵۲۲قمری نیز شیخ ابوالقاسم رامشت، تاجر بزرگ ایرانی، جامه‌ای بسیار فاخر به حریم امن الهی اهدا کرد تا مدتی را تن‌آسای سنگ‌های سیاه و آفتاب خورده خانه دوست شوند.

همان‌طور که از تاریخ‌ها معلوم است، برده پوشی قبله‌گاه است. تاریخی دیرینه و دور دارد و ایرانی‌های زیادی به این افتخار نائل نشده‌اند.

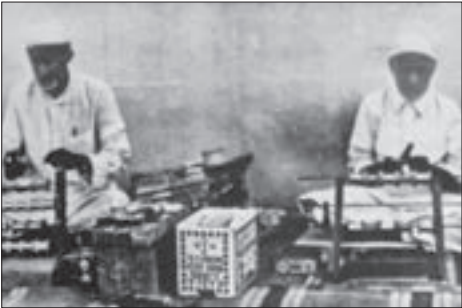
- کسوه؛ ابزاری برای مشروعیت‌بخشی سیاسی در زمان عباسیان، امرجامه پوشی برکعبه برعهده آنان بوده و تنها با موافقت آن‌ها راستن دیوارهای قبله‌گاه مسلمانان ممکن می‌شده است؛ تا آنکه دولت عباسی رو به سستی رفت و جایگاه خلافت با زیرکی به مصر انتقال یافت.

از آن پس، جامه کعبه و خدمت به حرمین در زمره امور حاکمان مصر قرار گرفت. طبق روایت ابن بطوطه، کاروان مصررساله برده جدیدکعبه را به همراه خود به حج می‌برد و در روز عید قربان بر کعبه می‌پوشاند تا قدرت و مشروعیت خود را بازتولید کنند.

در این دوران، اهتمام به امور مکه و مدینه و مشارکت در امور حج، به منزله گزاره‌ای برای اثبات حقانیت حاکمان بود؛ نبردی نانوشته میان حاکمان مسلمان تا عیار خود را به اثبات برسانند و قدرتشان را به رخ رقبا بکشند. آنان محمل و پرچم به مکه می‌فرستادند، کاروانشان را با دبدبه و کیکبه راهی حج می‌کردند یا کسوه بر کعبه می‌پوشاندند تا قدرت نمایی کنند.

حدود ۶۰۰سال* پیش در ایام حج و روز عید قربان با تلاش حاکم خراسان پرده‌ای به خانه خدا اهدا شد

ردای ایرانی بر قامت قبله مسلمانان



دو تصویر از اولین کارگاه بافت کسوه یا برده کعبه در مصر



تصویری قدیمی از کعبه که دارای برده یا کسوه است

به مصر می‌فرستد. حاکم خراسان در این سال می‌خواهد برای اهالی مکه که در مضیقه آب بودند، چشمه آبی جاری کند که با هم با مخالفت برسبای روبه‌رو می‌شود. در سال ۸۳۶قمری، شاهرخ نامه دیگری به حاکم مصر می‌نویسد. این نامه با دو سال تأخیر در سال ۸۳۸قمری، توسط سیدتاج‌الدین علی به قاهره می‌رسد.

ملک اشرف در پاسخ می‌نویسد: «پوشاندن کعبه امر مقدس و خاصی است و حرمت ویژه‌ای دارد که تنها به سلطان مصر اختصاص داشته و تأقیامت نیز سلاطین مصر باید به اقامه آن بپردازند.» او به شاهرخ توصیه می‌کند هزینه آن جامه را به فقرای مکه صدقه دهد. شاهرخ اما دست بردار نیست و هر بار که شکست می‌خورد، دوباره می‌کوشد تا نیتش را به عمل نزدیک کند.

- سرنجام عزم شاهرخ، پس از مرگ رقیب آنچه قفل درخواست شاهرخ را باز می‌کند، مرگ ملک اشرف است. برسبای پس از ۴۰سال سلطنت بر ممالک اسلامی از جمله مصر در سال ۸۴۱قمری از دنیا می‌رود.

پس از او حکومت ممالک آشفته‌شد و قبایل عرب به قافله حاجیان حمله می‌کنند. در این شرایط، امیر حقمقا با لقب «ملک ظاهر» به حکومت می‌رسد و مناسبات دوستانه‌ای با دربار تیموری پیش می‌گیرد.

آن‌ها بارها در مناسبت‌های مختلف هیئت‌هایی همراه با هدایای گران بها برای یکدیگری می‌فرستند تا روابطشان را بهبود بخشند.

در سال ۸۴۳قمری، شاهرخ سفیرانی بلندپایه به مصر می‌فرستد و درخواست آویختن جامه ایرانی را بر حریم امن الهی می‌کند.

ملک ظاهر بر خلاف برسبای از این پیشنهاد استقبال می‌کند.

شاهرخ پیش از این، تمهیدات لازم را اندیشیده و غیاث‌الدین محمدحافظ رازی را به یزد فرستاده است تا بر بافت بهترین جامه برای خانه خدا نظارت کند.

در سال ۸۴۷قمری، شاهرخ که تازه از بستربیماری برخاسته است، این پارچه را روانه مصر می‌کند.

هیئت شاهرخ در ۱۵شعبان سال ۸۴۸قمری به قاهره می‌رسد.

کاروان شاهرخ در مصر توسط مردم غارت می‌شود اما جواهرات بسیاری از آن‌ها به سرقت می‌رود، اما جامه کعبه سالم می‌ماند و آن‌را به همراه حاجیان مصری به مکه می‌برند و در روز عید قربان شاهرخ را به آرزویش می‌رسانند.

در نهایت، حاکم مصر اجازه می‌دهد درون کعبه را با آن کسوه ببوشاند تا نام تیموریان را در تاریخ پرده‌داری کعبه جاودانه شود.

سه سال بعد، شاهرخ دارفانی را وداع می‌گوید، ولی جامه‌ای که او فرستاده بود، تا ۵سال پس از مرگش بر دیوارهای کعبه آویخته بود.

زمانی که تیموریان رو به افول بودند، ملک ظاهر که گویا تظاهر به استقبال از برده شاهرخ داشته، متوجه می‌شود حالا می‌تواند آن برده را پایین بکشد، بدون آنکه دردسری داشته باشد. با این حال ۸سال برده کعبه با نام حاکم خراسان گره خورده بوده و پیش چشم تماشای حجاج بوده است.



کارگاه گلدوزی برده در مکه



بالازدن کسوه در ایام حج رسمی قدیمی بوده است



استفاده از نخ طلا در گلدوزی برده کعبه

گرفتن کلیدداری حرمین شریفین، آیین «کسوت‌پوشی کعبه» را در انحصار خود داشت و آن را نماد انحصاری مشروعیت سیاسی خویش می‌دانست.

* پوشش یا برده‌ای فاخر (معمولاً از ابریشم سیاه و زربفت) که هر ساله در روز عید قربان بر گرد کعبه مغلظه کشیده می‌شود.

** سلسله‌ای نظامی (۱۲۵۰-۱۵۱۷ م)، در مصر و شام که با در دست

یا نوشت، *نصب برده‌اهدایی شاهرخ تیموری در سال ۸۴۸ هجری قمری صورت گرفت، بنابراین ۵۹۹سال قمری (۵۸۲ سال شمسی) از این واقعه، گذشته است.